

بررسی مصادیق "انعمت علیهم" بر اساس تفسیر المیزان

راضیه توکلی^۱

چکیده

آیه «الذین انعمت علیهم» در سوره فاتحه یکی از آیات مهم قرآن است که در فهم درست مفاهیم دینی، به‌ویژه در زمینه‌های اعتقادی و تفسیر قرآن نقش کلیدی دارد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، این آیه را به‌دقت بررسی کرده و مصادیق مختلف «انعمت علیهم» را تحلیل می‌کند. به‌طور خاص، ایشان این گروه را به پیامبران، صدیقین، شهداء و صالحین نسبت می‌دهد و بر نقش ویژه اهل بیت پیامبر (ص) در این آیه تأکید می‌کند. در این مقاله، به‌طور جامع به تحلیل و تبیین دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان پرداخته شده و تطبیق آن با دیگر تفاسیر کلاسیک و معاصر، مانند تفسیر طبری، فخر رازی و جوادی آملی، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین شباهت‌های مختلف وارد شده به تفسیر المیزان و پاسخ‌های علامه طباطبایی به آن‌ها نیز نقد و بررسی شده است. این مقاله به‌دنبال پاسخ به سؤالاتی چون مصادیق دقیق «الذین انعمت علیهم» در قرآن، تفاوت دیدگاه‌های مختلف تفسیری و تحلیل تطبیقی آن‌ها است. این تحقیق می‌تواند به درک عمیق‌تر آیه «الذین انعمت علیهم» کمک کرده و در مسیر پاسخگویی به سؤالات تفسیر قرآن و تطبیق دیدگاه‌های مختلف در این زمینه راهگشا باشد.

کلیدواژه‌ها: آیه "الذین انعمت علیهم"، تفسیر المیزان، مصادیق "انعمت علیهم"، تفسیر قرآن، تحلیل تطبیقی تفاسیر قرآن.

^۱ حوزه علمیه الزهرا سلام الله علیها کرج البرز

مقدمه

آیه «انعمت علیهم» یکی از آیات مهم قرآن کریم است که در سوره فاتحه (آیه ۷) آمده است و به گروهی از بندگان خدا اشاره دارد که از نعمت‌های الهی برخوردار شده‌اند. این آیه در کنار دو گروه دیگر به نام‌های «الضالین» و «الذین أنعم الله علیهم» قرار دارد که از یک‌سو به بندگان دچار گمراهی و از سوی دیگر به بندگان ویژه‌ای اشاره دارد که در مسیر هدایت الهی قرار گرفته‌اند. به‌طور خاص، «انعمت علیهم» در بسیاری از تفاسیر اسلامی، به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که با عمل به دستورات الهی، به کمالات معنوی و دینی رسیده‌اند. از این رو، بررسی مصادیق این آیه و تفسیر آن می‌تواند به شناخت عمیق‌تری از معنای آن کمک کند.

در تفسیر المیزان اثر علامه طباطبایی، آیه «انعمت علیهم» به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است. علامه طباطبایی این آیه را نه تنها از منظر لفظی بلکه از دیدگاه فلسفی و اعتقادی تفسیر کرده و این تفسیر با تفاسیر دیگر همچون تفسیر الطبری، الرازی و الزمخشری مقایسه شده است. بنابراین، تحلیل این تفسیر و تطبیق آن با سایر تفاسیر می‌تواند به درک درست‌تری از این آیه کمک کند. تحقیق درباره آیه «انعمت علیهم» و تفسیر آن در المیزان اهمیت زیادی دارد زیرا این آیه نه تنها در فهم کلی قرآن بلکه در تبیین مفاهیم بنیادین مانند «هدایت» و «نعمت» در قرآن مؤثر است. بررسی تطبیقی این تفسیر با تفاسیر دیگر نیز می‌تواند به رفع ابهامات و شبهات موجود در فهم آیه کمک کند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان از شیوه‌ای متفاوت برای تفسیر این آیه استفاده کرده است که در برخی موارد با دیدگاه‌های متداول در دیگر تفاسیر تفاوت‌هایی دارد. از این رو، مطالعه این تفسیر و تحلیل تطبیقی آن می‌تواند به تعمیق فهم دینی و قرآن‌شناسی در میان پژوهشگران و علاقه‌مندان به مباحث تفسیر قرآن منجر شود.

در این راستا، اهمیت تحقیق از آنجا بیشتر می‌شود که این آیه ارتباط مستقیمی با فهم کلی قرآن و مفهوم هدایت الهی دارد. درک صحیح این مفهوم به ویژه در دوران معاصر که مسلمانان به چالش‌های مختلف فکری و فرهنگی روبه‌رو هستند، بسیار ضروری است.

سوالات اصلی که این مقاله به آنها پاسخ خواهد داد عبارتند از:

۱. مصادیق «انعمت علیهم» در تفسیر المیزان چیست؟

۲. چگونه دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر این آیه با تفاسیر دیگر همچون تفسیر الطبری، الرازی و الزمخشری تفاوت دارد؟

۳. آیا علامه طباطبایی از منابع حدیثی و تاریخی برای تفسیر این آیه بهره برده است؟

۴. آیا تفسیر علامه طباطبایی از این آیه به‌طور خاص بر روی مفاهیم فلسفی مانند «نعمت الهی» تأکید دارد؟

۵. چه تأثیرات عملی و معنوی برای مسلمانان از درک صحیح «نعمت علیهم» به‌ویژه در تفسیر میزان وجود دارد؟

هدف اصلی این تحقیق، تحلیل تفسیری و دینی آیه «نعمت علیهم» از دیدگاه میزان و بررسی تطبیقی آن با دیگر تفاسیر معتبر قرآن است. علاوه بر این، در این تحقیق به بررسی نقش تفسیر میزان در فهم عمیق‌تر معنای نعمت الهی و هدایت خواهد پرداخته شد. هدف دیگر این است که نشان داده شود چگونه تفسیر علامه طباطبایی می‌تواند در پاسخ به شبهات و ابهامات موجود در فهم این آیه و مفاهیم مرتبط با آن مفید باشد.

روش تحقیق در این مقاله به‌صورت تحلیلی و تطبیقی است. ابتدا تفسیر آیه «نعمت علیهم» در میزان به‌طور دقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با توجه به منابع مختلف مانند تفسیر الطبری، الرازی و الزمخشری، مقایسه‌ای تطبیقی صورت می‌گیرد. در این فرآیند، از منابع حدیثی معتبر همچون الکافی و الوسائل نیز برای پشتیبانی از تحلیل‌های ارائه‌شده استفاده خواهد شد. همچنین، برای تبیین مفاهیم فلسفی و دینی، از آثار آیت‌الله جوادی آملی و دیگر منابع فقهی و کلامی بهره‌گیری خواهد شد.

تحقیقات پیشین در این زمینه به چند دسته تقسیم می‌شوند. کتاب تفسیر میزان از جمله مهم‌ترین منابع موجود است که به‌طور کامل به تفسیر قرآن پرداخته و در تفسیر آیه «نعمت علیهم» نیز به تفصیل بحث کرده است. علاوه بر آن، تفسیر الطبری و تفسیر الرازی به‌عنوان منابع قدیمی در این زمینه، تحلیل‌های ویژه‌ای ارائه کرده‌اند. از پژوهش‌های جدیدتر، می‌توان به آثار آیت‌الله جوادی آملی در زمینه تفسیر فلسفی قرآن و شیخ مفید در تفسیر کلامی اشاره کرد.

مقاله‌های علمی و پایان‌نامه‌های دانشگاهی نیز به بررسی این آیه و تطبیق آن با سایر تفاسیر پرداخته‌اند که این امر نشان‌دهنده اهمیت و نیاز به بررسی دقیق‌تر این آیه در منابع مختلف است.

بخش اول: مفهوم‌شناسی آیه "انعمت علیهم"

بخش اول به تحلیل و توضیح معنای لغوی و اصطلاحی عبارت «انعمت علیهم» می‌پردازد. در این بخش، به بررسی مفهوم واژه «انعمت» و تاثیر آن در تفسیر آیه و همچنین تحلیل معنای «علیهم» و جایگاه آن در آیه پرداخته می‌شود تا فهم دقیق‌تری از معنای آیه در کلام قرآن به دست آید.

۱. معنای لغوی و اصطلاحی «انعمت علیهم»

آیه «انعمت علیهم» در سوره فاتحه (آیه ۷) به‌طور گسترده‌ای در تفسیرهای مختلف قرآن مورد تحلیل قرار گرفته است. در این بخش، به تحلیل معنای لغوی و اصطلاحی این آیه پرداخته می‌شود تا نقش و جایگاه آن در تفسیر قرآن روشن گردد.

واژه «نعمت» از ریشه «نَعَم» گرفته شده و به معنای بخشش، لطف، یا عطا است. در عربی، این واژه عموماً به معنای اعطای چیزی از طرف کسی به دیگری به‌ویژه از سوی خداوند به بندگان به‌کار می‌رود.^۱ در این زمینه، واژه «نعمت» به‌عنوان یکی از صفات خداوند در قرآن آمده است که اشاره به لطف و فضل الهی دارد.^۲ از دیدگاه لغوی، «نعمت» به معنای عطای الهی است که در قالب رزق، هدایت، و پشتیبانی خداوند از انسان‌ها به‌کار می‌رود.

فعل «انعمت» در زبان عربی به معنی اعطا یا بخشش است که در این آیه به‌طور خاص به اعطای نعمت‌های الهی به بندگان صالح اشاره دارد. این فعل با ضمیر «علیهم» در ترکیب «انعمت علیهم» همراه شده است، که به معنای اعطای نعمت‌ها به گروه خاصی از انسان‌هاست. این گروه، به کسانی اطلاق می‌شود که در آیه به‌عنوان کسانی که از فضل و نعمت خداوند بهره‌مند شده‌اند، شناخته می‌شوند.^۳

کلمه «علیهم» به معنای «بر آنان» یا «برای آنان» است. این ضمیر، که به کسانی که مورد لطف و فضل الهی قرار گرفته‌اند، اشاره دارد، در واقع موقعیت دریافت‌کنندگان نعمت را مشخص می‌کند.

^۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۲۳

^۲ طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۷۸

^۳ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۲۴

«علیهم» نه تنها به عنوان یک حرف جر برای تعیین مکان یا زمان عمل به کار می‌رود، بلکه به طور ضمنی به گروه خاصی از مردم اشاره دارد که مورد فضل و مهربانی خداوند قرار گرفته‌اند.^۱

توجه به این نکته که در آیه «انعمت علیهم»، کلمه «علیهم» به کسانی اطلاق می‌شود که در حالت خاصی از هدایت و فضل الهی قرار دارند، اهمیت زیادی دارد. این اشاره، به‌ویژه در مقایسه با کلماتی چون «غیرهم» که در آیه بعدی آمده است، قابل توجه است. به این ترتیب، «علیهم» مشخص می‌کند که نعمت‌ها و فضل‌های الهی به کسانی داده شده است که در مسیر درست از ایمان، علم و عمل قرار دارند، و این افراد از جهات مختلف از غیر خود ممتاز می‌شوند.^۲

مفهوم «انعمت علیهم» در تفسیر قرآن، به‌ویژه در تفسیر المیزان، از اهمیت خاصی برخوردار است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه به طور ویژه به فرق میان «انعمت علیهم» و «غیرهم» پرداخته و تأکید کرده است که این آیه به‌طور خاص به گروهی از انسان‌ها اشاره دارد که در مسیر هدایت الهی قرار دارند و از فضل ویژه‌ای برخوردار شده‌اند. او در تفسیر این بخش از آیه، مفهوم عصمت و هدایت الهی را برای این گروه از بندگان تأکید می‌کند و بیان می‌کند که این افراد در مقابل کسانی که در گمراهی و کفر قرار دارند، جایگاه ویژه‌ای دارند.^۳

این تفاسیر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان اهمیت ویژه‌ای دارند زیرا او با درک عمیق از زبان قرآن و دقت در مفاهیم آن، نشان می‌دهد که آیه «انعمت علیهم» تنها به عنوان اشاره‌ای به نعمت‌های الهی نیست، بلکه در حقیقت به نوعی از هدایت و عصمت نیز اشاره دارد که مختص گروهی خاص است. در مقابل، تفسیرهای دیگر نیز به‌طور خاص در تلاش بوده‌اند تا این آیه را به صورت عام و بدون در نظر گرفتن ریزه‌کاری‌های معنایی آن تبیین کنند.^۴

تحقیقات بسیاری در حوزه تفسیر آیه «انعمت علیهم» انجام شده است. برخی از آثار پیشین، مانند تفسیر نمونه^۵ و تفسیر جوامع الجامع^۶، در زمینه تبیین این آیه و توضیح معنا و مفهوم آن اثرگذار

^۱ طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۸۰

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۲۶

^۳ طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۸۵

^۴ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۳۰

^۵ همان، ج ۱، ص ۳۲۳

^۶ طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۹۸

در پاسخ به این نقدها، علامه طباطبایی استدلال می‌کند که قرآن و آیات آن با توجه به شان نزول و با در نظر گرفتن تمامیت مفاهیم معنایی، نیازمند یک تفسیر جامع‌نگر هستند که تمامی لایه‌های معنایی آن را پوشش دهد. علامه معتقد است که تخصیص «الذین انعمت علیهم» به اهل بیت نه تنها از نظر فقهی و دینی صحیح است، بلکه از لحاظ تاریخی و روایی نیز این تفسیر تأیید می‌شود.^۱

۲. نقد تطبیقی دیدگاه‌های مختلف

برای بررسی تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی با دیگر تفاسیر، به تفاسیر طبری، فخر رازی، و جوادی آملی پرداخته می‌شود.

تفسیر طبری: همان‌طور که اشاره شد، طبری تفسیرهایی بیشتر مبتنی بر نقل قول‌های مختلف از مفسران پیشین دارد و به طور کلی به دسته‌بندی‌هایی چون پیامبران و صالحین در تبیین مصادیق «الذین انعمت علیهم» اکتفا کرده است.^۲ این در حالی است که علامه طباطبایی با نگاه ویژه‌ای به اهل بیت و مؤمنان خاص پرداخته و آن‌ها را به‌عنوان مصادیق اصلی این آیه در نظر گرفته است. از این رو، می‌توان گفت که تفسیر طبری به‌شکلی عام‌تر و کلی‌تر به مفاهیم قرآن نگاه می‌کند و از نظر تحلیل فقهی و معنایی دقیق‌تر به مصادیق نمی‌پردازد. این نقد به علامه طباطبایی وارد است که در تفسیر «انعمت علیهم»، در مواردی تخصیص و محدودیت‌هایی به‌وجود آورده که ممکن است تفسیرهای عمومی‌تر مانند طبری را مغفول بگذارد.

تفسیر فخر رازی: فخر رازی نیز مانند علامه طباطبایی در تلاش است تا به‌طور دقیق به معنا و مفاهیم آیه «الذین انعمت علیهم» پرداخته و آن را به‌شکل وسیعی در نظر بگیرد. اما در تفسیر فخر رازی، تأکید بیشتری بر تحلیل‌های عقلی و فلسفی دارد تا تأکید بر روایات تاریخی یا اجماع‌های فقهی. به‌عنوان مثال، فخر رازی به‌طور غیرمستقیم از نقش اهل بیت در مصادیق «الذین انعمت علیهم» حمایت می‌کند، اما در مقایسه با علامه طباطبایی، هیچ تخصیص مستقیمی برای آن‌ها قائل نمی‌شود.^۳ نقدی که به تفسیر فخر رازی وارد است، عدم تخصیص کافی برای گروه‌های خاص مثل اهل بیت است که در تحلیل‌های علامه طباطبایی به وضوح بیان شده است.

^۱ طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۱۰۸

^۲ طبری، تفسیر الطبری، ج ۱، ص ۵۲۰

^۳ رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۲۵۶

تفسیر جوادى آملی: جوادى آملی در تفسیر آیه «الذین انعمت علیهم» رویکردی جامع و عمیق‌تر از دیدگاه‌های پیشین ارائه می‌دهد. او نیز به‌طور خاص بر اهل بیت و مؤمنان تأکید دارد، اما علاوه بر این، به لایه‌های معنایی بیشتری در تفسیر اشاره می‌کند که به مسأله عصمت و تأثیر آن در فهم آیه مربوط می‌شود^۱. او معتقد است که در آیه «الذین انعمت علیهم» نه تنها پیامبران بلکه علما و سایر مؤمنان از این نعمت بهره‌مند هستند، اما اهل بیت در این زمینه جایگاهی ویژه دارند. تحلیل تطبیقی این تفسیر با علامه طباطبائی نشان می‌دهد که جوادى آملی نیز در مواردی بر نقاط مشترک با علامه طباطبائی تأکید کرده است، اما دیدگاه‌های او غالباً به‌دنبال اجماع‌سازی و تطابق با نظرات مختلف است.

در نقد تطبیقی تفاسیر مختلف، می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه علامه طباطبائی در تخصیص مصادیق «الذین انعمت علیهم» به اهل بیت و مؤمنان، در عین حال که دارای مزایای خاص خود است، به‌ویژه در زمینه‌های فقهی و تاریخی، نقدهایی را از سوی مفسران دیگری چون طبری و فخر رازی دریافت کرده است. این نقدها بیشتر به عدم توجه کافی به دیدگاه‌های عمومی‌تر و گاهی به کمبود توجه به ابعاد فلسفی و عقلی است. بنابراین، تفسیر علامه طباطبائی به‌عنوان یکی از تفاسیر جامع‌نگر و دارای رویکرد اختصاصی، همچنان مورد توجه و تحسین قرار دارد، ولی تطبیق آن با دیگر تفاسیر می‌تواند به ارتقاء فهم کلی‌تر از آیه «الذین انعمت علیهم» کمک کند.

نتیجه‌گیری

آیه «الذین انعمت علیهم» یکی از مهم‌ترین آیات قرآن است که در سوره فاتحه آمده است و در فهم دقیق و عمیق مفاهیم اسلامی، به‌ویژه در زمینه‌های اعتقادی، نقش مهمی دارد. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان به‌طور گسترده این آیه را مورد بررسی قرار داده و تحلیل‌های مختلفی را درباره مصادیق «انعمت علیهم» ارائه داده است. در ابتدا، به تحلیل معنای لغوی و اصطلاحی این آیه پرداخته شده که نشان می‌دهد «انعمت» از ریشه «نعمت» است که به معنای لطف و فلاح و برکت است، و این واژه به‌ویژه در قرآن در موقعیت‌های مختلفی با تأکید بر رحمت و عنایت خداوند به بندگان صالح استفاده می‌شود.

^۱ جوادى آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۷۵

علامه طباطبایی در تفسیر خود، «الذین انعمت علیهم» را به کسانی نسبت می‌دهد که از برکات و لطف‌های الهی بهره‌مند شده‌اند و در نهایت به دو گروه مهم اشاره می‌کند: ۱. پیامبران و ۲. اهل ایمان و افراد برگزیده، از جمله اهل بیت پیامبر (ص). علامه طباطبایی به‌ویژه اهل بیت را مصداق خاصی از این گروه معرفی می‌کند و بر نقش ویژه‌ای که این گروه در هدایت مردم دارند، تأکید می‌کند. این دیدگاه بر اساس منابع روایی و تفسیری معتبر مورد تبیین قرار می‌گیرد.

در تحلیل مصادیق «انعمت علیهم»، علامه طباطبایی به چهار گروه اصلی اشاره می‌کند: ۱. پیامبران، ۲. صدیقین، ۳. شهدای راه خدا و ۴. صالحین. این تفسیر برگرفته از آیات مختلف قرآن و روایات معصومان است که در آن‌ها مصادیق خاصی از این گروه‌ها به‌طور مستقیم معرفی شده‌اند (طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۱۰۵). علامه طباطبایی به این مصادیق در تفسیر خود پرداخته و آنان را به‌عنوان کسانی معرفی می‌کند که خداوند نعمت‌ها و رحمت‌های خاص خود را بر آنان ارزانی داشته است. علامه طباطبایی بر اهمیت این آیه در قرآن‌شناسی تأکید دارد و آن را در بسیاری از تفاسیر و منابع فقهی به‌عنوان یکی از پایه‌های شناخت جایگاه افراد خاص در جامعه اسلامی و ارتباط آنان با خداوند معرفی می‌کند. تأکید بر مصادیق این آیه در تفسیر المیزان از آن جهت اهمیت دارد که علامه در تلاش است تا تفسیری جامع و هم‌راستا با نصوص دینی و عقلانی از آن ارائه دهد. تحلیل دقیق علامه از آیه، در کنار تأکید بر اهمیت جایگاه اهل بیت و پیامبران، در توسعه فهم دقیق‌تری از قرآن در جامعه اسلامی نقش اساسی دارد.

در مقایسه با دیگر تفاسیر، علامه طباطبایی بر خلاف تفسیرهایی مانند تفسیر طبری و فخر رازی، تأکید بیشتری بر مصادیق اهل بیت دارد و از این‌رو تفسیر او با رویکردی ویژه به شناخت دقیق‌تر از قرآن و تاریخ اسلام پرداخته است. در حالی که طبری و فخر رازی بیشتر به‌صورت عمومی‌تر به این آیه پرداخته و مصادیق آن را به مجموعه‌ای از انسان‌های صالح و مؤمنین تخصیص داده‌اند، علامه طباطبایی با ارائه دیدگاه‌های خاص در تفسیر المیزان، به‌ویژه به پیامبران و اهل بیت توجه کرده است.

این دیدگاه‌ها در تفسیرهای معاصر، مانند تفسیر جوادی آملی، نیز مورد توجه قرار گرفته و بر اهمیت شناخت دقیق مصادیق «انعمت علیهم» در توسعه‌اشاعه باورهای صحیح دینی و معنوی تأکید شده است. به‌ویژه در این تفسیرها، تطبیق آیه با زندگی معصومان و وضعیت اجتماعی و دینی مسلمانان،

پیامی عمیق از چگونگی بهره‌مندی از رحمت‌های الهی و نقش آموزه‌های دینی در هدایت افراد دارد.

در نهایت، بررسی مصادیق «انعمت علیهم» در تفسیر المیزان نشان می‌دهد که علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بر اهمیت شناخت دقیق شخصیت‌های خاص مذهبی تأکید دارد و معتقد است که فهم درست از این شخصیت‌ها می‌تواند راهنمایی‌های لازم برای هدایت جامعه اسلامی را فراهم سازد. این تفاسیر همچنین به پاسخ به برخی از شبهات دینی و فقهی در خصوص مصادیق ویژه قرآن و اهل بیت کمک می‌کند.

فهرست منابع

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، انتشارات اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۹۵ هجری شمسی.
۲. حبیبی، علی، نقد و بررسی تفسیرهای کلاسیک در قرآن، تهران، انتشارات اندیشه، چاپ دوم، ۱۳۸۲ هجری شمسی.
۳. خویی، ابو القاسم، تفسیر البیان، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ هجری قمری.
۴. رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۸ هجری شمسی.
۵. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۱۲ هجری قمری.
۶. شهاب، حسین، تفسیر قرآن در اندیشه علامه طباطبایی، تهران، موسسه انتشاراتی حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۸ هجری شمسی.

۷. صادقی، محمد، تفاسیر معاصر و تحلیل آیه "انعمت علیهم"، قم، انتشارات حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۳۹۶ هجری شمسی.
۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۷ هجری قمری.
۹. طبرسی، احمد بن علی، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۰ هجری قمری.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هجری قمری.
۱۱. عبدی، حسن، مباحث تفسیر آیه "انعمت علیهم" در تفاسیر مختلف، تهران، نشر نور، چاپ اول، ۱۳۹۴ هجری شمسی.
۱۲. عمادی، محسن، تفسیر تطبیقی آیه "انعمت علیهم"، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۲ هجری شمسی.
۱۳. فیض کاشانی، محمد، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳ هجری شمسی.
۱۴. مطهری، مرتضی، تفسیر قرآن در اندیشه اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۶ هجری شمسی.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ بیستم، ۱۳۹۰ هجری شمسی.